



فراز و فرودهای دانشجوی سیاسی

تحلیل و بررسی وضعیت فعالیت‌های سیاسی جریان‌های دانشجویی

جریان دانشجویی از تحرک سیاسی تار و پودهای جهادی



احمد فروزبخش فعال سیاسی

یکی از پرتحرک‌ترین و سرزنده‌ترین جریان‌های هر کشوری، جریان دانشجویی است، جریانی که با توجه به سابقه خوب در نظر مردم، عموماً با استقبال جامعه مواجه می‌شود. در جریان انقلاب و مبارزه‌های مردمی ضد نظام شاهنشاهی، پیوستن جریان دانشجویی به مردم، بسیار مهم و تأثیرگذار بود و باعث افزایش تحرک و نگاه فکری به انقلاب شد؛ پس از انقلاب نیز اوج حرکت دانشجویی، تسخیر لانه جاسوسی بود که با همراهی مردم و تأیید حضرت امام (ره) مواجه شد. پس از آن، فضای جنبش‌های دانشجویی اما فراز و فرود فراوانی داشت که خروجی آن‌ها گاهی با پیوستن دانشجویان به نیروهای ضدانقلاب و گاهی تبدیل شدن دانشجویان به فعالان مؤثر و انقلابی کشور رقم می‌خورد. در کل، جریان‌های دانشجویی به شدت تحت تأثیر وضعیت سیاسی و فرهنگی کشور است و همچنان‌ها و تحولات ملی نیز می‌تواند بر جنبش دانشجویی به صورت مستقیم و غیرمستقیم تأثیر بگذارد. بهترین مثال برای این موضوع به فعالیت‌های دانشجویی در دوم خرداد برمی‌گردد که یکی از مقاطع پرشور فعالیت‌های دانشجویی به شمار می‌رود. در آن دوران با توجه به فضای سیاسی و گفت‌وگوها و مسائلی که در کشور وجود داشت، جنبش دانشجویی وظیفه خود می‌دانست که با تمام وجود وارد صحنه شود و از یک طرف، محرک توسعه سیاسی ادعایی در دوم خرداد باشد و از طرف دیگر، آزارش‌های انقلاب و مردم ایران در مقابل انحراف‌ها دفاع کند. بخشی از جریان‌های دانشجویی در این دوران ترجیح دادند که گفت‌وگو را مقدم بر تقابل بدانند؛ اما در بزنگاه‌هایی مانند حوادث کوی دانشگاه نیز تحت تأثیر اتفاق‌های بیرونی و سوسه‌های خارجی دچار مشکلات عدیده‌ای شدند. از نتایج مستقیم و غیرمستقیم جریان دانشجویی در فضای سیاسی دوم خرداد، به قدرت رسیدن دکتر احمدی‌نژاد به عنوان رئیس‌جمهور ایران بود؛ اما پس از آن با توجه به حضور بخشی از این جریان در بدنه دولت و کاهش فضای گفت‌وگو، به شدت این جریان دچار افت فعالیتی شد. سال‌های پس از آن دوران را هم نمی‌توان سال‌های روشنی برای دانشجویان دانست. در اواخر دوران ریاست جمهوری دکتر روحانی با توجه به مشکلات اقتصادی و معیشتی شدیدی که تحوه عملکرد دولت و تحریم‌ها برای کشور ایجاد کرده بود، رویکرد جریان دانشجویی که همچنان در رکود به سر می‌برد، به سمت اردوهای جهادی تمایل پیدا کرد که تاکنون هم رگه‌هایی از آن در جنبش‌های دانشجویی دیده می‌شود.

دانشجو باید فعال سیاسی باشد تا به رخوت دچار نشود



سید بهاء‌الدین صدر فعال سیاسی و دانشجوی مبارز پیش از انقلاب

همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردیم، از آن همه فشار و تحقیر از جانب کشورهای غربی و به حساب نیامدن و نداشتن حق انتقاد به ستوه آمده بودند که همین انگیزه‌ای برای اتحاد دانشجویان و قیام بود. این شرایط مربوط به دانشجویان پیش از انقلاب بود و پس از انقلاب هم دانشجویان بار دیگر تأثیرگذاری خود را در فضای سیاسی کشور با تسخیر لانه جاسوسی نشان دادند و در دوران جنگ نیز در برابر کشورهای متخاصم آمریکا و عراق ایستادند؛ در واقع دانشجویان زمانی که در برابر خود مخالف محکمی می‌بینند، منسجم‌تر به میدان می‌آیند؛ در غیر این صورت زمانی که حکومت را یا خود همراه می‌بینند و احساس می‌کنند که آن فضای فشار و سرکوب وجود ندارد و فعالیت‌های دانشجویی بیشتر به حالت حزبی نمایان می‌شود. منتهی همان‌طور که حضرت آقا می‌فرمایند، دانشجوی باید سیاسی باشد؛ هدف از دانشجویی بیش از پیش به مجموعه‌های فرهنگی و حتی هیئت‌ها نزدیک می‌شوند و از اصل و گوهر گران‌بهای خود، یعنی سیاست فاصله می‌گیرند. متأسفانه در این فضا توجه‌هایی نیز شکل گرفته است و دانشجوی امروز بسیاری می‌کوشد که سیاسی نباشد و سیاسی نبیند؛ اما اکنون باید گفت که این موضوع چه آسیب‌هایی را به دنبال آورده است و برای حل آن‌ها چه باید کرد. اول و شاید مهم‌ترین آن، این است که دانشجوی و جنبش دانشجویی امروز در خصوص مسائل کلان، جریان‌ها و تاریخ نمی‌تواند تحلیلی داشته باشد و این عامل نباشد و معاسل با مسائل اصلی کشور حرکت در وقایع و نقاط برجسته تاریخی می‌رسد. به بیانی دیگر، دانشجوی اگر درباره مسائل تحلیل نداشته باشد، احساس بی‌نسبتی می‌کند و سرانجام به رخوت و بی‌عملی می‌رسد. در این راستا، دانشجوی در ابتدا باید بپذیرد که سیاسی باشد تا در ادامه، به دنبال تحلیل و فکر برود. آن زمان است که در خصوص وقایع رخ داده احساس قربایت می‌کند و پروژهای را جلو می‌برد. دومین



احمد رضا بیان دبیر تشکل جمع‌بخگان جوانان ایران اسلامی

عاملی که به دنبال سیاسی نبودن دانشجو می‌آید، دور شدن جنبش دانشجویی نسبت به مسائل اصلی کشور است که امروزه بسیار نمایان شده است. جنبش دانشجویی فعلی به جز در مواردی، در خصوص مسائل اصلی حکمرانی و مسائل مردم و تخبگان هیچ راه‌حلی که ندارد هیچ، حتی گاهی تحلیلی هم ندارد و شاید می‌توان گفت که مسائل اصلی را نیز نمی‌شناسد و در این وضعیت فعلی آن است که امیدواریم با این آسیب‌شناسی‌ها راهی باز شود رو به آینده و تغییرات و اصلاحاتی که جنبش‌ها را به نقطه مطلوب برسانند. در این راستا سعی کرده‌ام به بیان مهم‌ترین ضعف‌های جنبش دانشجویی و پیامدهایی که در گرو آن‌ها می‌آید، بپردازم. مهم‌ترین مشکل جنبش‌های دانشجویی امروز این است که یا سیاسی نیستند یا خطر سیاسی نبودن آن‌ها را تهدید می‌کند و به نوعی این جنبش‌ها ژست غیرسیاسی و مسائل اصلی کشور است. دانشجویی که به خودگرفته‌اند، باین ژست، جنبش‌های دانشجویی بیش از پیش به مجموعه‌های فرهنگی و حتی هیئت‌ها نزدیک می‌شوند و از اصل و گوهر گران‌بهای خود، یعنی سیاست فاصله می‌گیرند. متأسفانه در این فضا توجه‌هایی نیز شکل گرفته است و دانشجوی امروز بسیاری می‌کوشد که سیاسی نباشد و سیاسی نبیند؛ اما اکنون باید گفت که این موضوع چه آسیب‌هایی را به دنبال آورده است و برای حل آن‌ها چه باید کرد. اول و شاید مهم‌ترین آن، این است که دانشجوی و جنبش دانشجویی امروز در خصوص مسائل کلان، جریان‌ها و تاریخ نمی‌تواند تحلیلی داشته باشد و این عامل نباشد و معاسل با مسائل اصلی کشور حرکت در وقایع و نقاط برجسته تاریخی می‌رسد. به بیانی دیگر، دانشجوی اگر درباره مسائل تحلیل نداشته باشد، احساس بی‌نسبتی می‌کند و سرانجام به رخوت و بی‌عملی می‌رسد. در این راستا، دانشجوی در ابتدا باید بپذیرد که سیاسی باشد تا در ادامه، به دنبال تحلیل و فکر برود. آن زمان است که در خصوص وقایع رخ داده احساس قربایت می‌کند و پروژهای را جلو می‌برد. دومین

حال جنبش‌های دانشجویی مساعد نیست



نظام را پیش ببرد و موتور محرک جامعه باشد. باید به این نکته‌ها هم اشاره کرد که سیاسی بودن و درگیر مسئله سیاست و حاکمیت مطلوب بودن با سیاست‌زدگی تفاوت دارد و متأسفانه این مورد نیز مشاهده می‌شود که دانشجوی و جنبش دانشجویی گاهی پیاده نظام جریان‌های سیاسی می‌شود و به نوعی نقشی به جز سیاهی‌لشکر بازی نمی‌کند. دانشجویی که به بهانه سیاسی بودن اخلاق و انصاف را زیر پا می‌گذارد و سیاست را با تعبیر غربی آن به ظهور می‌رساند؛ اما نباید از ذکر این نکته اجتناب کرد که تنها مقصر این وضعیت نیستند؛ بلکه دانشجویان نیز بسیار نحوه سیاست‌گذاری در کشور نیز بسیار دخیل است. در این سال‌ها، برخی دولت‌ها دانشجویی که تحلیل نداشته باشند و دانشجویی که تحلیل نداشته باشد، سیاست‌زدایی کرده و دانشگاه‌ها را به مکانی منفعل تبدیل کنند و تنها به دنبال مسائل درسی و علمی بروند و به نوعی دانشجوی را درباره وقایع و رخدادها بی‌تفاوت کنند. اما به راستی باید پرسید دانشجویی که به لحاظ علمی قوی است، اگر در خصوص مسائل اصلی کشور و جامعه حس قربایت و تعلق نداشته و تحلیلی هم نداشته باشد، آیا می‌تواند از آن علم خود در رفع مشکلات استفاده کند؟ آری می‌شود! اسم دانشجو را

به مسائل مذهبی اما در قالب تشکل‌های مذهبی و انجمن‌های اسلامی فعال بودند و بر علیه نظام و حکومت برنامه‌ریزی می‌کردند. جلسات و فعالیت‌های آن‌ها هم اغلب به صورت پنهانی در قالب چاپ اعلامیه و کتاب و برگزاری جلسات برای آن هم عموماً با مشکل از سوی ساواک روبه‌رو می‌شد. به یاد دارم ساواک در بازجویی از من پرسید که چرا شما چرا هیچ ابلاغه‌ای نمی‌خوانید یا اینکه چرا تفسیر می‌خوانید، مگر شمارو حائنی هستی؟ این پنهان‌ها البته چندان اهداف ساواک را محقق نمی‌ساخت. فعالیت انجمن‌ها و تشکل‌های دانشجویی همچنان با تمرکز بر مبارزه علیه حکومت رقم می‌خورد و نظام شاهنشاهی هم از آن طرف نهایت سعی خود را می‌کرد تا دانشجویان مشغول به یکسری مسائل ارتباطی بین‌سرها و دخترها کند. خاطر هست که دانشگاه اصفهان تازه تأسیس شده بود و مادر دانشگاه مسجد نداشتیم. به همین خاطر همراه با برخی از دوستان از جمله شهید اژه‌ای به دیدار دکتر معتمدی رئیس دانشگاه اصفهان رفتیم تا درخواست خود را برای ساخت مسجد در دانشگاه مطرح کنیم. پیش از آن



حسین مطیع، استاد معارف دانشگاه صنعتی اصفهان، در یادداشتی شفاهی به ویژگی های جنبش های دانشجویی در سال های گذشته و جریان های امروز دانشجویی اشاره کرد.

اصطلاحی که این روزها زیاد نام برده می شود، جنبش دانشجویی است. باید بگویم که ما دیگر جنبش دانشجویی نداریم؛ البته یک روزهایی جنبش هایی داشتیم؛ مثلاً آذر ۱۳۳۲ یا ۱۳ یا ۱۳۵۸ که قله های جنبش دانشجویی است یا در ۱۸ تیر ۱۳۷۸ یک دوره جنبش های دانشجویی داشتیم؛ اما بعد از دهه ۸۰ دیگر جنبش دانشجویی نداشتیم و حرکت ها، اتفاق ها و ماجراهای دانشجویی داشتیم.

ما سال هاست که در ایران با جنبش دانشجویی خداحافظی کرده ایم و این را باید علنی کنیم. شاید اصلاً دوران جنبش ها تمام شده است و نباید منتظر جنبش یا دانشجویی باشیم.

*** ویژگی جنبش های دانشجویی پیشین**

جوانان مادر جنبش های دانشجویی گذشته منتقد بودند، معترض بودند، پرسشگر بودند، آرمان گرا و ایدئولوژیک بودند، راهبرهایی مثل دکتر شریعتی و یازگان داشتند؛ یک دورانی هم شهید مطهری در دهه شصت و هفتاد به عنوان رهبر این جریان بود که البته آن زمان شهید شده بود؛ ولی اندیشه هایش رهبری می کرد.

در خصوص نقاط ضعف این جنبش ها می توان گفت؛ افراد ساده بودند، کم سواد بودند، خلأ تئوریک داشتند، زود بازی می خوردند، ساختارشکن بودند، انتقاد ناپذیر بودند، تشخیص مسئله شان گاهی اشتباه بود، تشخیص اهم و مهمشان گاهی اشتباه بود.

بعضی ها قانون گریز بودند و عیب هایشان را فراقلمی می کردند و به گردن دیگران می انداختند و صرفاً از دیگران انتقاد می کردند. جنبش دانشجویی نتوانسته بود جلوی سوءاستفاده بقیه از خودش را بگیرد. جنبش ها محل سربازگیری دانشجویان توسط عوامل بیرون از دانشگاه شده بود.

کار سلیبی خوبی می کردند؛ ولی کار ایجابی خوبی نداشتند. همین طور که آن هم چنین است. به قول بگویم، بلد روزهای خوبی هستند؛ اما نمی توانند دو آجر را روی هم بگذارند. کار سلیبی شان هم از نوع برچگ زنی است؛ مثلاً یک تریبون آزاد برگزار کرده یا با سخنرانی و بیانیه افراد را تحریب می کنند؛ درحالی که انتقادشان براساس آگاهی نیست و گاهاروش افراطی هم دارند؛ البته اخیراً در دیدار با رهبری به نظر می رسد دانشجویان پخته شده اند و حرف های عمیق تری را می شنویم.

*** عوامل اضمحلال جنبش دانشجویی در ایران**

دو نفر سرعت جریان جنبش دانشجویی را کند و آن را خنثی کردند.

* یکی دکتر سروش که با ژست های انقلابی و لیبرالیزه کردن جنبش ها، جنبش را از دورن خلع سلاح کرد. او با ژست های انقلابی و ایدئولوژیک ضد هر انقلاب و ضد ایدئولوژی شد. در واقع مانع و ضدکنشگری شد.

* آقای خاتمی هم جنبش ها را وارد حکومت کرد و بر این اساس از آنجا که خودش مسئول بودند، نمی توانستند هم انتقاد کنند و هم حکومت.

*** حرکات اخیر دانشجویی**

* یک عده در اوایل دهه هشتاد خواستند که جنبش عدالت خواه را بنا کنند که به دلایلی راه به جایی نبرد.

* اوایل دهه نود هم عده ای خواستند همچون روزهای اول انقلاب جنبش ها مارکسیستی راه بیندازند؛ مثل مجله هایی که در دانشگاه ها چاپ می شود و مواردی از این قبیل که راه به جایی نمی برند.

* یک سری هم دنبال این هستند که شاخه احزاب را در دانشگاه ها شکل دهند؛ همان اتفاقی که در دهه شصت و هفتاد اتفاق افتاد. این موضوع باعث می شود بلوغ سیاسی و اجتماعی شکل نگیرد و دانشجویان نتوانند روی پای خودشان بایستند.

*** عوامل تأثیرگذار بر دانشجویان**

* یک موردی که امروزه بر دانشجویان تأثیر می گذارد، فضای مجازی است. بر این اساس دیگر دلیلی ندارد که دانشجویان در خیابان حضور پیدا کنند و راهپیمایی کنند.

وقتی می بیند این را در یک فضای با هزینه کمتر و تأثیرگذاری بیشتر انجام می دهد، دلیلی برای حضور در خیابان و برگزاری جلسه ندارد؛ البته امروزه در همه دنیا همین طور است و باعث شده که حرکت های خیابانی و فضای فیزیکی اجتماعی کم رنگ شود.

مورد بعد این است که در روزهای کرونا که دانشگاه ها نیمه تعطیل شدند، افتی داشتیم که هنوز هم احیا نشده است. به همین خاطر تنها راهی که می توان آن جریان پیشین را احیا کند و جلوی بعضی از نفوذ های شبکه اجتماعی را بگیرد، اردوهای راهیان نور، راهیان پیشرفت، جهادی و حتی زیارتی است.

جدی بگیرید!

دانشگاه، بستر تکامل آینده سازان است



دانشجویان بیان می کنند.

* **پرهیز از انفعال و ناامیدی:** مواظب باشید؛ یعنی مواظب خودتان باشید. مواظب دلتان باشید، مواظب باشید دچار انفعال نشوید، دچار ناامیدی نشوید. شما باید کانون تریق امید به بخش های دیگر باشید. بله، نابسامانی هایی در بخش های مختلف وجود دارد؛ اما این نابسامانی ها غیر قابل رفع است؟ ایضا؛ این ها قابل رفع است. ده پانزده سال قبل از این، یک حرکت علمی مطرح شد. چه کسی باور می کرد که به اینجا برسد؟ الحمدلله این حرکت پیشرفت کرد، کارهای بزرگی انجام گرفت؛ در زمینه فناوری همین جور، در زمینه های بهداشت و درمان همین جور، سلامت همین جور. در خیلی از زمینه ها کارهای بزرگی انجام گرفته؛ در دیگر زمینه ها هم می تواند انجام بگیرد.

* **پرداختن به اندیشه ورزی:** ببینید در دانشگاه دو چیز لازم است: علم و فکر. علم بدون فکر مشکل ساز می شود. علمی که بدون فکر باشد، راه را غلط می رود. توصیه من این است که بنشینید فکر کنید. شماها خوش استعدادید، خوش فکرید. می توانید فکر کنید؛ بنشینید فکر کنید. البته فکر کردن را هنما هم لازم دارد؛ استاد فکر هم لازم دارد.

* **مطالبه گری:** طبیعت دانشجویان مطالبه گری است. مطالبه گری کنید و از مسئولان بخواهید که کار جدی بکنند؛ یکی از کارهایی که شماها می توانید بکنید این است. شما برحذر بدارید مسئولان را از کارهای نمایشی. از آن ها بخواهید کارهای جدی و واقعی انجام دهند.

این یکی از مطالبات درست و بجای دانشجویان است که می توانند این را بخواهند؛ البته هیچ لزومی هم ندارد که برخورد تندوتیز بکنید؛ بعضی ها خیال می کنند که راه تذکر دادن این است که تندوتیز وارد بشوند. می توان منطقی و هوشمندانه و کاملاً جدی وارد میدان مطالبه گری شد و مطالبه گری کرد.

* **پرداختن به فعالیت های بین المللی:** یکی دو بار تا حالا توصیه کرده ام که دانشجویان ما، تشکل های ما، فعالیت های بین المللی داشته باشند. الان در دنیا گروه های جوان دانشجو و غیردانشجوی زیادی هستند که علیه سیاست های استکباری، علیه آمریکا، علیه سیاست های اروپایی و غربی به شدت مشغول فعالیت اند. گروه های اسلامی در کشورهای اسلامی هم که معلوم است فراوان هستند. باین ها اگر بتوانید ارتباط سالم برقرار کنید، دو فایده دارد: فایده اول این است که به آن ها نیرو می دهید و کمک می کنید. فایده دوم این است که جمهوری اسلامی را به آن ها معرفی می کنید. توصیه اول من و توصیه مهم تر من به جوان های تریزی که حالا الحمدلله وارد میدان کار شده اند این است: این مسئولیت کنونی را بایستی برای مسئولیت های بالاتر قرار دهید. این جور نباشد که ما بگویم حالا این یک سابقه برای ما درست می کند برای مسئولیت های بالاتر؛ نه، بچسبید به همین کار. برای خدا کار کنید. متمرکز بشوید روی مسئله ای که به شما مربوط می شود؛ چه بخش اقتصاد، چه بخش سیاست، چه بخش فرهنگ؛ بخش های مختلف. متمرکز بشوید روی مسئله و دنبال حل آن مسئله ای باشید که به شما محول شده است.

کوچک نمایی بشود و البته عیبی وجود دارد و این عیب هم ده برابر بزرگ نمایی بشود. آرمان زدایی یعنی بی تفاوت کردن افراد نسبت به فقر و فساد و تبعیض؛ نسبت به این سه شیطان بزرگ و سه عنصر پلید در جامعه منحرف، فقر و فساد و تبعیض، که باید از بین برود. باید با این مبارزه بشود. این ها را بی تفاوت کنند؛ بی تفاوت شدن نسبت به سلطه فرهنگ غربی، کم انگیزه شدن درباره شاخص های انقلاب اسلامی؛ و دغدغه هایی که لزوم توجه به آسیب شناسی آن، نقش دانشگاه به عنوان بستری برای تربیت آینده سازان است. دانشجویان جوانی که به عنوان مهم ترین سرمایه برای توسعه آینده شناخته می شوند و اگر آسیبی آن ها را تهدید می کند، به معنای تهدید آینده کشور است.

به همین خاطر ایشان در دیدار جمعی از دانشجویان توصیه هایی رانست به وضعیت فعلی دانشگاه و

آرمان هایی که کم و بیش هم محقق شده و به دستاورد هایی می رسیم که دیگر مقایسه امروز دانشگاه با روزهای ابتدایی آن ممکن نیست؛ از رشد جمعیت دانشجویانی که زمانی صد و پنجاه هزار نفر بودند و امروز به بیش از سه و نیم میلیون رسیده اند. رشد استادی که از آماری کمتر از ۱۰ هزار نفر حالا به بیش از ۸۰ هزار استاد نخیه رسیده است؛ همچنین پیشرفت های علمی که به دست نخبگان رقم می خورد و پیش از این هرگز چنین افتخارانی نصیب دانشگاه های کشور نشده بود.

روز به آن سو و روز دیگر به این طرف برود.

دانشگاه برای خودش منطقی دارد، برای خودش فضا، زمان، تقویم، فرهنگ و رسالتی دارد، هویتی دارد، قواعدی نهادینه دارد، هنجارهایی دارد که اگر چنین نباشد، همچون مجمع علمی همدان، فرهنگستان اردشیر و گندی شاپور، بعد از مدتی معلوم نیست چه به سرشان می آید.

*** دانشگاه های ایران سرد روها بود**

با این تعاریف، اگر آغاز رسمی دانشگاه امروزی را به دوران پهلوی نسبت دهیم، اما با شکل گیری انقلاب سال ۱۳۵۷، بار دیگر معنای دانشگاه متحول می شود. دانشگاهی که پیش از این به نحوی ناقص شکل گرفته بود و به دنبال تربیت دانشجویانی مصرف گرا از علم غربی بود، دانشگاهی که به عنوان بستری برای تربیت نخیه غربی شکل گرفته بود، به یک باره هویتی جدید پیدا می کند.

آزادی از استعمار نور اهدف خود قرار می دهد و پس از وقفه ای، مجدداً پایه میدان می گذارد. در این آغاز دوباره دانشگاه به عنوان بستری برای تربیت نخبگان تعریف می شود؛ نخبگانی که قرار است علمی را بیاموزند، مرزهای آن را پیش ببرند و در نهایت به حل مسائل کشور بپردازند.



قبیل دلایل تاپیس از پنج شش سال سرانجام شاه موافقت کرد. اما فارغ از این ریشه شناسی های دانشگاه در ایران، این مفهوم در مبدأ غربی خود به معنای نهاد اجتماعی و فرهنگی از نوع دانشی است؛ همچنین با الزاماتی همراه است که فراسنخواه می نویسد: دانشگاه نهادی «خودارجاع» است، پیوستگی دارد، شک آن منظم است، اختلاف نظر در آن منظم است، فلسفه و ضرورت وجودی محکمی دارد، امر موقت نیست، اقتصادی نیست. دست کم تیپ ایدئال دانشگاه چنین است. این طور نیست که مثلاً گاه لازم باشد و گاه نباشد، گاه کار بکند و گاه تعطیل شود، گاه رایگان و گاه پولی باشد، زمانی سیاسی شود و زمانی سیاست زدایی، گاهی چپ روی کند و گاهی ادای بی نگاه در بیاورد، گاه با این ایدئولوژی باشد و گاه با آن ایدئولوژی، گاه به تقاضای اجتماعی روی بیاورد و گاه زبان اقتصادی بگشاید، دست به دست بشود، یک

استادان و دانشمندان.

در «تاریخ هشتاد ساله» بیان شده است که ایرج حسابی، فرزند محمود حسابی در کتابی با عنوان «استاد عشق» روایات می کند که محمود حسابی واژه دانشگاه را بار اول پیشنهاد کرد و از حکمت، وزیر فرهنگ را ترغیب و حکمت، رضاشاه را به سختی برای ایجاد این نهاد متقاعد کرد. به همین منظور هم چندین توجیه سیاسی دست و پا شد؛ مانند اینکه ایجاد یک دانشگاه در کشور از رفتن پچه ها به خارج بهتر است و یا نظارت بر آن راحت تر است از نظارت بر مدارس عالی متعدد در اینجا و آنجا و اینکه همه چیز شهر تهران نوسازی می شود؛ پس این عمارت هم از جمله لازم دارد و این

با شکل گیری انقلاب دانشگاهی که پیش از این به نحوی ناقص شکل گرفته بود و به دنبال تربیت دانشجویانی مصرف گرا از علم غربی بود، به یک باره هویتی جدید پیدا می کند

دانشگاه برای خودش منطقی دارد، برای خودش فضا، زمان، تقویم، فرهنگ و رسالتی دارد، هویتی دارد. قواعدی نهادینه دارد. هنجارهایی دارد که اگر چنین نباشد، بعد از مدتی معلوم نیست چه به سرشان می آید




حیات دانشگاه، نبض جامعه

آسیب شناسی کنشگری دانشجویی



گروه فرهنگ و هنر

مؤذن جامعه است، باید آگاه به زمان و مشکلات کشور باشد تا بتواند آن‌ها را تحلیل کرده و برطرف کند. باید با دید نقیصه‌نگارانه به این کشور نگاه کرد. باید نقش آگاهی بخشی داشته باشد و جامعه را بیدار کند؛ که اگر چنین شناختی پیدا کند، می‌تواند پیش‌نهاد حل مشکلات و نقش‌آفرین در جامعه باشد؛ مثلاً در دهه هفتاد از طرف مسئولان کشورمان در مقابل مسائلی که نظام سلطه جهانی می‌خواست بر ما تحمیل کند، حالت خلاق و فعالی نداشته‌ایم و بلعکس یک حالت واگرایایی داشتیم. این را جوانان ما باید بشناسند.

باید حساب عمده‌ترین مشکلی که دانشجویان فعلی به آن دچار هستند را تا آگاهی به تاریخ و وضعیت فعلی کشور می‌دانید؟

این طور نیست که آن آگاهی به زمان وجود نداشته باشد؛ چرا که وقتی از مسئله‌ای صحبت می‌کنیم، منظور همه افراد نیستند. به طور مثال در دوران انقلاب هم که دانشجویان نقش‌آفرینی کردند، همه آن‌ها که در صحنه نبودند، بلکه درصد کمی از آن‌ها آگاه شدند و زمانی که این درصد کم وارد میدان شدند، بخش اعظم دانشجویان را تحت تأثیر خودشان قرار دادند. این مسئله برای همه اقشار جامعه صدق می‌کند که در یک تقسیم‌بندی کلی، ۱۵ درصد خوب فعال داریم، ۱۵ درصد فعال و ۷۰ درصد که قشر خاکستری جامعه هستند. هر کدام از این ۱۵ درصد‌ها که فعال‌تر از دیگری شود، ۱۰ درصد جامعه را تحت تأثیر خودشان قرار می‌دهد. بر این اساس سعی مان باید بر این باشد که آن ۱۵ درصد با ایمان و امیدوار را تقویت کنیم تا این گروه دیگران را با خود همراه کنند.

*** غلام‌حسین جعفری، از مسئولان سابق نهاد رهبری دانشگاه اصفهان؛ یک گروه حداقلی می‌تواند بر کل جامعه تأثیرگذار باشد**

بی‌شک نقش دانشجویان و دانشگاه کلان‌تر از آن است که بتوانیم با نگاه تک‌بعدی به آسیب‌شناسی آن بپردازیم. با این حال، به نظر شما آنچه دانشجویان امروزی درگیر آن شده‌اند است و به نوعی چالش دانشجویی شناخته می‌شود، چیست؟

به نظر من دانشجویان به عنوان قشری که پیش‌نهاد جامعه یا به تعبیر شهید بهشتی

علاوه بر مشکلی که بیان کردید، یکی از مسائلی که از زبان دانشجویان شنیده می‌شود، ناامیدی نسبت به آینده است. در پاسخ به این چالش هم به نظرات باید به آن تقسیم‌بندی گروه‌های تأثیرگذار برگردیم؛ یعنی مشکلی عام شناخته نمی‌شود؟

اول اینکه دانشجویان باید بدانند که ما الان با اقتدار در مقابل بزرگ‌ترین قدرت‌های دنیا ایستاده‌ایم و آن‌ها نمی‌توانند ما را تحت سلطه خود قرار دهند. این اقتدار هم در اثر ایمانی است که جوانان دانشجویان و مردم ما داشتند؛ بنابراین چیزی کم نداریم که آینده درخشانی نداشته باشیم. تنها باید آن را تقویت کنیم و هر کسی با جهاد تبیین‌گر مسائل مهم کشور باشد. زمانی که شخص مهم‌ترین کشور را به یاد داشته باشد و برای اطرافیان و بستگان خودش این تبیین را انجام دهد، به طور طبیعی انتشار پیدا می‌کند و این آگاهی که گسترش پیدا می‌کند، آینده‌ای را که می‌خواهیم تأمین می‌کند. یا این حساب چرایی باید نامید باشیم؟ مادر سخت‌ترین شرایط هم حق ناامیدی نداریم و اتفاقاً انتظار فرج هم همین است. علاوه بر این، همان طور که گفتیم، به ما به او متکی هستیم. دانشجویان این طور فکر نمی‌کنند؛ ولی آن گروه ۱۵ درصد می‌توانند نقش‌آفرین باشند. اگر ایمان محکم داشته باشند و اخلاقشان با اکثریت، اخلاق خوبی باشد، می‌توانند تأثیرگذار باشند و دیگران به طور طبیعی مجذوبشان می‌شوند.

همان طور که در صحبت‌تان به امید اشاره کردید، اتفاقاً این نکته در صحبت‌های رهبری هم هست و توصیه‌ایشان به تقویت انگیزه و امید در

دانشجویان است. به نظر شما نسخه عملیاتی رسیدن به این امید را چطور می‌توان به دست آورد؟

به نظر من چون امید مربوط به آینده است باید دید که آینده و تحولات آن به دست چه کسی رقم می‌خورد؟ آن نیرویی که می‌تواند آینده را متضمن کند و تحولات مابعد دست اوست، چه کسی است؟ چه کسی می‌تواند آینده را روشن کند؟ آن مقتدر جهان، خداوند است؛ بنابراین اگر کسی متصل شد به این نیروی لایزال و نامتناهی الهی، خداوند وعده کرده است که آن تنصیرالله‌ینصرکم و یتوبت اعدایکم. اگر شما میانی که برای شما ترسیم کرده‌ام را راپور کنید، من کم‌کم می‌کنم و امداد غیبی‌ام را شامل حالتان می‌کنم. تاریخ هم این را ثابت می‌کند. مثل زمانی که پیغمبر مردم را به اسلام دعوت کرد و تنها حضرت خدیجه (س) و حضرت علی (ع) همراهشان بودند، ولی خداوند همین دعوت صادقانه را چون مقاومت همراه بود، به جایی رساند که امروز نزدیک دو میلیارد نفر به دین اسلام روی آورده‌اند.

بنابراین مهم‌ترین عامل امید، ایمان است؛ یعنی باور به اینکه مقتدرترین نیروی تحول‌ساز و نقش‌آفرین و عامل پیشرفت جامعه خداست و ما به او متکی هستیم. با این حساب دانشجویان باید خودشان برای نقش‌آفرینی اقدام کنند و منتظر اقدام متولیان این حوزه نباشند. همان طور که در آیه ۱۷۷ سوره بقره بیان می‌شود که شرایط بیرونی نمی‌توانند در شما کمال ایجاد کنند، بلکه شما باید با اراده خودتان تصمیمی بگیرید که شرایط را تغییر دهید. هر کس باید از خودش شروع کند و تصمیم قاطعی که می‌گیرد خودش را مرکز عالم بداند. آن کس که خودش را تغییر دهد، عالم را هم تغییر می‌دهد.

صفحه‌ان‌زیا

* یاد آور *

*** حسین مطیع، استاد معارف دانشگاه صنعتی اصفهان؛ اگر پیگیری‌های رهبری نبود، دانشگاه‌های کشور به دبیرستان تبدیل شده بود**

یکی از محورهای اساسی سخنان رهبری در سال‌های اخیر تا کنون بر امیدآفرینی نسبت به آینده است. این مسئله بارها در سخنرانی‌های ایشان تکرار شده و در دیدار با دانشجویان به عنوان یک آسیب مطرح می‌کنند. این چالش را آینده‌به‌عنوان کسی که در حال حاضر دانشجویان هستیم و ارتباط نزدیکی با فضای دانشگاه داریم، کاملاً لمس کرده‌ام. ناامیدی و انفعالی که نه تنها در دانشجویان هست، بلکه گاهی اساتید هم به آن دامن می‌زنند و آینده را با واژه‌هایی سیاه و تاریک ترسیم می‌کنند. به نظر شما این انفعال نسبی در کنشگری دانشجویان از کجا نشئت گرفته است؟

یک بخشی از آن ناشی از مسائل اقتصادی است که فرد آینده شغلی روشنی نمی‌بیند. یک بخش دیگری مربوط به پیشرفت‌هایی است که دیده نمی‌شود. اگر اردوهای راهبان پیشرفت گسترش یابد و دانشجویان از نزدیک پیشرفت‌های فنی و صنعتی ما را ببینند که چه کارهای قوی صورت گرفته است، نگاهشان تغییر می‌کند؛ البته بعضی افراد بازم انکار می‌کنند؛ ولی در کل دانشجویان این طور نیست.

از سوی دیگر با رواج شبکه‌های مجازی یک فرهنگ منفی‌یابی شکل گرفته است؛ دیدن نیمه خالی لیوان و نقدهایی که مبتنی بر آگاهی نیست. این هم مسئله‌ای است که باعث ناامیدی می‌شود. همچنین آرمان‌گرایی در جوانان و دانشجویان کم شده است. دهه‌های شصت و هفتاد و حتی پیش از دهه پنجاه اکثر جوانان آرمان‌گرا

در حال حاضر مهم‌ترین کسی که جریان‌های دانشجویی را در کشور به طور مستقیم و غیرمستقیم سرپا نگاه داشته، مقام معظم رهبری است



بودند. حالایی کمی نیست بود، یکی ملی‌گرا و یکی اسلام‌گرا؛ ولی همگی آرمان‌گرا بودند. اما بعد از دهه هفتاد به واسطه اقداماتی که دولت وقت با وارد کردن جنبش‌های دانشجویی به حکومت انجام دادند، باعث شد که این آرمان‌گرایی کم‌رنگ شود. با این حال در حال حاضر مهم‌ترین کسی که جریان‌های دانشجویی را در کشور به طور مستقیم و غیرمستقیم سرپا نگاه داشته، مقام معظم رهبری است. اگر دیدارهای ایشان با دانشجویان و ارشادات ایشان نسبت به مسئولان در ارتباط با وضعیت دانشجویان نبود، دانشگاه‌های کشور به دبیرستان تبدیل شده بود. منظور محلی است که صرفاً به درس خواندن محدود می‌شود و فارغ از ابعاد اجتماعی و سیاسی است.

ایشان در سخنرانی ۱۶ آذر سال گذشته اشاره می‌کنند که نظام جهانی جدید در حال شکل‌گیری است. به این معنا که از دو قطبی آمریکا و شوروی گذر کرده‌ایم، از نظام تک‌قطبی لیبرال آمریکا هم گذر خواهیم کرد. به طبع در این شرایط جوانان و در رأس آن‌ها دانشجویان هستند که باید نقش پیش‌نهاد داشته باشند. اگر به این مسئله فارغ از شمارزنگی نگاه کنیم و با نگرشی واقع‌بینانه نسبت به مشکلات فعلی که اشاره هم کردید بخواهیم مسیری برای حرکت دانشجویان ترسیم کنیم، نسخه عملی آن چیست؟

بیانیه گام دوم. در این بیانیه بیش از ۴۰ بار کلمه جوان تکرار شده و به نظر من مخاطب اصلی آن جوانان و از همه مهم‌تر دانشجویان هستند. این چراغ‌راهی برای جریان‌های دانشجویی است که می‌تواند مسیر ایشان دهد و اگر گفت‌مان‌سازی شکل گیرد، مسیر خوبی را طی خواهیم کرد.

به واسطه چه کسی باید این گفت‌مان‌سازی شکل گیرد؟

خود دانشجویان باید شروع کنند. اتفاقاً اگر خودشان شریک نباشند سهمی هم گام دوم پنج سال گذشته و ۳۵ سال دیگر باقی مانده است.

در این ۳۵ باقی مانده مسیر خوبی برای جوانان شفاف شده است که در ابتدا باید آن را بشناسند، گفت‌مان و دغدغه‌شان شود و سپس در این مسیر حرکت کنند. منظور از گفت‌مان هم در اینجا معادل واژه discourse به معنای اندیشه رایجی است که همه قبول دارند و بر اساس آن عمل می‌کنند؛ هر چند که اسم آن را ندانند.

با این تعبیر اگر بیانیه گام دوم به گفت‌مان تبدیل شود، در مسیر روبه جلو حرکت خواهیم کرد؛ چرا که این گفت‌مان امکان اجرایش در همه زمینه‌ها را دارد و عملی‌شدن آن به پیشرفت در همه حوزه‌ها می‌انجامد؛ البته که نقش متولیان این حوزه چه در درون دانشگاه و چه بیرون از آن هم مهم است.

مطالبات دانشجویی

مهم‌ترین دغدغه این دوران شیرین و پررهزوراز دانشجویی برای من این مسئله است که آیا به معنی واقعی کلمه دانشجویی جویای دانش بوده‌ام یا خیر؟ آیا توانسته‌ام نسبت به دوران قبل فقط چند پله ناقابل بالاتر بایستم یا نه؟ من این برتری را صدالبته تنها در یک جنبه خواستار نیستم، جنبه اخلاقی این برتری، کمتر از جنبه علمی برایم ارزشمند نیست و چه بسا رسیدن به مورد دوم بدون درک اهمیت مورد اول، چندان باعث به خود بالیدن نیست.

یکی از اساسی‌ترین مشکلات دانشگاه‌ها در حال حاضر، تا کنون سیستم‌های آموزشی بر تئوری و ارزشیابی دانشجویان به طور عمد بر مبنای محفوظات است. هنوز در نظام آموزش عالی، کسب مهارت، کسب دانش فنی و توجه به خلاقیت‌ها و کارآفرینی و ایده‌پردازی جایگاه تعریف شده‌ای ندارد. هنوز رشته‌های تحصیلی در دانشگاه‌ها، بدون ارتباط تربیت نیروی متخصص برای رفع نیاز صنایع و مراکز تولیدی در تمامی زمینه‌ها به کار خود ادامه می‌دهند!

آنچه امروزه مهم‌ترین دغدغه دانشجویی به شمار می‌رود و می‌توان آن را در جامعه کنونی جدی‌ترین تلقی کرد، آرامش است. امروز دانشجویی اگر می‌خواهد ازدواج کند، می‌خواهد به آرامش برسد؛ اگر دنبال اعتبار و مواردی از این قبیل می‌رود، آرامش می‌خواهد. اگر امروز دانشجویان آفسرده می‌شود، چون به آرامش درونی نرسیده است و آنچه را که می‌طلبند، نیافته است. اگر امروز دانشجویان تقد می‌کنند و تقد می‌شود، چون آرامش را می‌خواهد یا برایش می‌خواهند. اگر امروز دانشگاه‌های کشور دانشجویان را به تحصیل فراموش خوانند و دانشجویان آن می‌گریزد و در مقام دانشجوی بودن نمی‌ماند، آرامش می‌خواهد؛ ولی آنچه مسلم به نظر می‌رسد، آرامش و نشاط درونی است که از ایمان واقعی به خداوند متعال سرچشمه می‌گیرد و بر قلب‌ها جاری می‌شود. باید قبل از هر کاری زمینه‌های به وجود آمدن چنین ایمان را در دل‌ها پدید آوریم.

به نظر من مشکل علاوه بر فاصله بین صنعت و دانشگاه، کم‌توجهی به علوم انسانی (که میانی فرهنگی و فکری جامعه را طراحی می‌کنند) هم هست؛ چون علوم انسانی کمتر به طور مستقیم در صنعت دستی دارند و به نحوی دیگر در جامعه اثرگذار هستند.

به طور کلی یک فاصله (بیشتر فکری) بین خروجی دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و تصمیم‌گیرندگان و عاملان کشور وجود دارد.

مهم‌ترین دغدغه دانشجویی، دانش پژوهی، تحقیق و مطالعه در مفهوم واقعی‌اش، یعنی در پی دانش بودن و دانشجوی بودن است که این مهم زمانی تحقق می‌یابد که امکانات لازم و همراهی افراد دست‌اندرکار، در این موارد وجود داشته باشد.

بره‌زور نبودن سرفصل‌های آموزشی موجود در دانشگاه با نیازهای روز جامعه، فاصله دانشگاه با صنعت، کم‌رنگ شدن میزان اهمیت کیفیت‌ها در دانشگاه‌ها و بی‌انگیزه بودن دانشجویان به دلیل نداشتن هدف، مشکلات دیگر است.

رسانه‌ها باید به کمک جریان‌های دانشجویی بیایند

دیر اسبق تشکیلات اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان سراسر کشور: فعالیت‌های جمعی، دانشجویان را به یک نخبه تبدیل می‌کند



پگاه ظاهری
دبیر گروه سیاست

حضور دانشجویان در مهم‌ترین اتفاق‌ها و رویدادهای سیاسی و اجتماعی ایران، چه در قالب تشکل‌ها و انجمن‌های دانشجویی و چه به شکل مستقل، نشان می‌دهد که این قشر از جامعه همواره در رفیع بی‌عدالتی‌ها و کاستی‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دغدغه داشته و در دوران پیش از انقلاب و پس از آن در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و امنیتی... نقش مؤثر خود را به اثبات رسانده است. دانشجویانی با رویکرد سیاسی و روحیه انتقادی که اوج واخواهی آن‌ها به دهه ۳۰ برمی‌گردد که با اقدامی اعتراضی در دل‌پاسی برای آینده کشور ۱۶ آذر طی ۷۰ سال در تاریخ معاصر ایران ماندگار کردند. در این میان، نقش راهبردی تشکل‌های دانشجویی در ایجاد جنبش‌های سیاسی از بطن دانشگاه نیز قابل بررسی است؛ بستری که دانشجویان را با هدف تأثیرگذاری بر جامعه تربیت و افراد و شخصیت‌های تأثیرگذار را به جامعه تزریق می‌کند. با نگاهی گذرا خواهیم دید قشر عظیمی از این نیروهای تربیت‌شده تشکلی عصر انقلاب و پیش از آن در بدنه مدیریتی نظام جمهوری اسلامی ایران حضور داشته‌اند یا در سطوحی دیگر به عنوان شخصیت‌های برجسته فرهنگی، اقتصادی، دانشگاهی و علمی پژوهشی فعالیت کرده‌اند؛ فضایی که برگرفته از فعالیت‌های دانشجویی آن سال‌های انقلاب است و در حال حاضر اما این خروجی نه تنها دیده نمی‌شود که طی دوده‌های اخیر حتی کشمکی خاص سیاسی و اجتماعی هم از سوی تشکل‌های دانشجویی وجود نداشته است؛ نوعی رکود که به تحلیل برخی کارشناسان، سیاست‌گریزی تعبیر می‌شود و به تیرس از آینده سیاسی کشور و آسیب‌های احتمالی برآمده از آن برمی‌گردد. در حال حاضر دانشجویان کمتر به دنبال فعالیت‌های دانشجویی در قالب تشکل و انجمن هستند و جای خالی تشکلات دانشجویی و دبیری هیئت فعالیت‌های سیاسی دانشگاهی کاملاً حس می‌شود. محمد ظریفی، تجربه دبیری تشکیلات اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان، قائم‌مقام تشکیلات جامعه اسلامی دانشجویان و دبیری هیئت نظارت اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان سراسر کشور را دارد و معتقد است اینک کشمکی دانشجویی منطبق بر فضای جامعه کنونی نیست و آن شور و اشتیاقی که در گذشته از سوی دانشجویان در قالب تشکل و انجمن‌ها دیده می‌شد، وجود ندارد. ظریفی هم‌اکنون فرماندار شهرستان نطنز است و به «اصفهان زیبا» می‌گوید تک‌تک موفقیت‌هایش برگرفته از فعالیت‌های چندساله زمان دانشجویی اش است. تجربه‌هایی که توانست مسیر او را در تحقق اهداف فردی و جمعی روشن کند.

|| عمر تشکل‌های دانشجویی در ایران به قدمت تأسیس هر دانشگاه ایران است؛ بستری که زمانی دانشجویان را به پیش‌قراوانی جریان‌های سیاسی و اجتماعی کشور تبدیل کرد. چرا؟ عناصر جریان‌ها و تشکل‌های دانشجویی همیشه جلودار جریان‌های سیاسی و اجتماعی کشور بودند؛ کسانی که چراغ دست می‌گرفتند و مسیر را روشن می‌کردند و در واقع به خط می‌زدند. این فضا به عوامل مختلفی برمی‌گردد: اول، شجاعت دانشجویان و تشکل‌های دانشجویی؛ دوم، عدم وجود منافع حزبی، بانندی و سیاسی و سوم، جوان بودن تشکل‌های دانشجویی که در فضایی راحت و بدون هزینه‌های عجیب‌غریب جریان‌های سیاسی کشور را پیش می‌بردند.

|| آیا تشکل‌های دانشجویان در شهرستان‌ها با این تجمیع‌های شمار در تهران همراه بودند؟

بله؛ خاطر هست هر اتفاقی که ما در تهران رقم می‌زدیم، با استقبال دانشجویان سراسر کشور مواجه می‌شد. اتوبوس، اتوبوس دانشگاهی از اصفهان، خراسان و استان‌های شمالی کشور به تهران می‌آمدند تا ما را در این تجمع‌ها حمایت کنند. به عبارتی، تهران مرکز ثقل این فعالیت‌ها شده بود و اتفاق‌های فرهنگی و سیاسی بسیار ویژه‌ای از سمت دانشجویان در تهران رقم می‌خورد. ما حتی پیام‌های بسیاری از جریان‌ها و تشکل‌های دانشجویی دانشجویان غیرتشکلاتی در کشورهای اسلامی و غیراسلامی دریافت می‌کردیم که باعث انگیزه بیشتر برای ادامه این مسیر و تقویت فعالیت‌های دانشجویی ما می‌شد.

|| توضیح‌ها و تعریف‌های شمار در خصوص فعالیت دانشجویان آن زمان نشان می‌دهد به شکلی

|| قبول دارید که آن شور و اشتیاق و انگیزه در جریان‌سازی سیاسی و اجتماعی که از سال‌های پیش از

انقلاب و پس از آن در دانشجویان وجود داشت، دیده نمی‌شود و حتی عضویت در این تشکل‌ها کمتر مورد توجه دانشجویان است؟

بله؛ متأسفانه در سال‌های اخیر این‌گونه فعالیت‌ها از سمت تشکل‌های دانشجویی دیده نمی‌شود. در دوره‌ای از جمله جنگ ۲۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه مردم غزه به یاد دارم که در تهران اتفاق‌هایی از سوی تشکل‌ها و انجمن‌های دانشجویی در رابطه با این موضوع رقم خورد و تجمع‌هایی ایجاد شد که در نوع خود بی‌نظیر بود؛ دانشجویان در فرودگاه برای اعزام به غزه تحصن می‌کردند؛ ما نیز هر شب در مقابل در همه سفارتخانه‌ها و دفاتر حافظ منافع کشورهای همچون مصر و عربستان... که حامی رژیم صهیونیستی بوده یا سکوت اختیار کرده بودند، در تهران تجمع می‌کردیم؛ فضایی که باعث تحمیل فشار بسیاری بر جبهه‌استخبارات و صهیونیست و غرب شد.

|| آیا تشکل‌های دانشجویان در شهرستان‌ها با این تجمیع‌های شمار در تهران همراه بودند؟

بله؛ خاطر هست هر اتفاقی که ما در تهران رقم می‌زدیم، با استقبال دانشجویان سراسر کشور مواجه می‌شد. اتوبوس، اتوبوس دانشگاهی از اصفهان، خراسان و استان‌های شمالی کشور به تهران می‌آمدند تا ما را در این تجمع‌ها حمایت کنند. به عبارتی، تهران مرکز ثقل این فعالیت‌ها شده بود و اتفاق‌های فرهنگی و سیاسی بسیار ویژه‌ای از سمت دانشجویان در تهران رقم می‌خورد. ما حتی پیام‌های بسیاری از جریان‌ها و تشکل‌های دانشجویی دانشجویان غیرتشکلاتی در کشورهای اسلامی و غیراسلامی دریافت می‌کردیم که باعث انگیزه بیشتر برای ادامه این مسیر و تقویت فعالیت‌های دانشجویی ما می‌شد.

|| توضیح‌ها و تعریف‌های شمار در خصوص فعالیت دانشجویان آن زمان نشان می‌دهد به شکلی

جلوداری جریان‌های جبهه مقاومت را جریان‌های دانشجویی برعهده داشتند؛ فضایی که امروزه اصلاً شاهد آن نیستیم.

دقیقا. در حال حاضر می‌بینیم که تشکل‌های دانشجویی در خواب به سر می‌برند و اتفاق‌های سیاسی که باید هم‌اکنون در فضای دانشگاه‌ها رقم بخورد، رخ نمی‌دهد؛ حتی مسائل سیاسی داخل کشور نیز برای برخی از دانشجویان مهم نیست. چند ماه مانده تا انتخابات مجلس شورای اسلامی، نه تنها فضای دانشگاه‌های نیست، بلکه شهرها و استان‌های کشور هم در همین سکوت و رخوت به سر می‌برد؛ در واقع آن جلوداری جریان‌های سیاسی دانشگاهی چند سالی است که دیده نمی‌شود.

|| دلایل این سکوت دانشجویی در قالب فعالیت‌های سیاسی یا جریان‌سازی داخلی و خارجی بیشتر بگوئید.

شاید رسانه‌ها کمکی به جریان‌های دانشجویی نمی‌کنند.

|| رسانه‌ها؟ چطور؟

بله؛ جریان‌های دانشجویی و تشکل‌ها باید به جامعه شناسانده شوند و رسانه‌ها فعالیت‌های دانشجویان در تشکل‌ها و انجمن‌های دانشجویی را منعکس کنند. صداوسیما کمتر از فعالان دانشجویی دعوت می‌کند و گفت‌وگوهای ویژه خبری یا پرونده‌هایی که در روزنامه‌ها و سایت‌های خبری کار می‌شوند کمتر به موضوع فعالیت‌های دانشجویی می‌پردازند.

|| به جز رسانه‌ها می‌توان به منفعل بودن احزاب و تشکل‌های سیاسی در عدم آموزش سیاسی به افراد و ترغیب آن‌ها به شرکت در فعالیت‌های جمعی سیاسی و اجتماعی هم اشاره کرد. درست است؟

رصدخانه جدی در تک‌تک افعال

سیاسی، مقام معظم رهبری هستند. حضرت آقا مختصات و ویژگی‌هایی را برای انجمن‌ها و تشکل‌های دانشجویی برمی‌شمارند. ایشان می‌فرمایند که دانشجویان همچون آهن گداخته و داغی نباشند که بعد از فارغ شدن از دانشگاه سرد و سیاه شده و با رکود و رخوت مواجه شوند. از طرفی، از جمله ویژگی‌های جریان‌های دانشجویی که رهبر معظم انقلاب هم بر آن تأکید دارند، این است که تشکل‌های دانشجویی ارتباط ساختاری و سیاسی کمتر و با دقتی با احزاب داشته باشند. به فرض من ظریفی اگر در دانشگاه و در تشکل جامعه اسلامی دانشجویان فعالیت می‌کنم، باید بدانم منافع احزاب بیرون از دانشگاه را از منطبق بر منافع و مصالح تشکل‌های دانشجویی داخل دانشگاه نیست و این ارتباط ساختاری اگر بخواهد برقرار شود، حتماً باید ملاحظه‌هایش هم در نظر گرفته شود.

|| بخش عظیمی از رشد جامعه در بستر دانشگاه صورت می‌گیرد. در زمان گذشته، به خصوص دوران انقلاب، فضای فعالیت‌های دانشجویی آموزشی و کلاس درس به‌شمار می‌رفت؛ تاجایی که بسیاری از دانشجویان آن زمان پس از فارغ‌التحصیل شدن به جایگاه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی چشمگیری می‌رسیدند. آیا در حال حاضر تشکل‌ها و انجمن‌های دانشجویی چنین خروجی دارند؟

|| به عقیده بنده، عملکرد ضعیف برخی احزاب هم می‌تواند بر نوع فعالیت‌های سیاسی دانشجویان و سبب‌ترکی آن‌ها مؤثر باشد؛ باین پیش‌بینی که آینده فعالیت‌های سیاسی دانشجویان در دانشگاه و پس از آن در بستر احزاب به جایی نمی‌رسد. نظر شما چیست؟

نکته‌ای که اشاره کردید، به نوعی درست است؛ عملکرد کنونی احزاب ایران آشفته و به هم ریخته است. قاطبه احزاب ما بیشتر به دنبال کسب کرسی‌های قدرت هستند. از آن طرف، دانشجویان این احتمال را می‌دهند که ممکن است آینده آن‌ها به این سمت و سو برود؛ به همین خاطر هم رفتارهای سیاسی چندانی در دانشگاه از خود نشان نمی‌دهند و به دنبال آن، بالطبع رفتارهای تشکلاتی و فعلیتی تشکل‌های دانشجویی هم کمتر دیده می‌شود؛ منتهی این موضوع را هم نباید فراموش کرد که جریان دانشجویی، همیشه مورد طمع احزاب بوده است. دهه گذشته

که زمان فعالیت ما در تشکل‌های دانشجویی بود، باید خیلی حواسمان را جمع می‌کردیم تا احزابی که سراغ ما می‌آیند، اهدافشان به وسیله ما دانشجویان تأمین نشود.

|| بخش عظیمی از رشد جامعه در بستر دانشگاه صورت می‌گیرد. در زمان گذشته، به خصوص دوران انقلاب، فضای فعالیت‌های دانشجویی آموزشی و کلاس درس به‌شمار می‌رفت؛ تاجایی که بسیاری از دانشجویان آن زمان پس از فارغ‌التحصیل شدن به جایگاه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی چشمگیری می‌رسیدند. آیا در حال حاضر تشکل‌ها و انجمن‌های دانشجویی چنین خروجی دارند؟

|| به نظر می‌آید تجربه فعالیت‌های تشکلی دانشگاه، برای شما بسیار سودمند بوده است و تأثیر آن را به وضوح در عرصه‌های کار و زندگی خود دیده‌اید.

بله؛ من از زمان فعالیت دانشجویی‌ام تجربه‌های بسیاری اندوخته‌ام، تجربه‌هایی که بر امور خانوادگی، اقتصادی، سیاسی، رسانه‌ای و حتی بصیرتی من بسیار تأثیرگذار بود. همان دوران دانشجویی یک عمر فعالیت انقلابی و ارزشی را برایم به وجود آورد. سال‌های حضور در دانشگاه و فعالیت‌های جمعی دانشجویی با اهدافی مشخص، دانشجویان را به یک نخبه سیاسی تبدیل می‌کند. دانشجویانی که پس از فارغ‌التحصیلی باید به آن‌ها توجه کرد و مدیران و مسئولان کشوری از ظرفیت و استعدادشان استفاده کنند.

|| از تجربه‌های حضور خود در انجمن اسلامی دانشگاه و تأثیر آن بر

پس به اعتقاد شما فرق بسیاری میان دانشجویانی که در تشکل‌ها و انجمن‌ها فعالیت دارند، با دانشجویانی که به‌دوراز فضای تشکل‌های دانشجویی هستند، وجود دارد.

دانشجویان فعال در انجمن‌ها و تشکل‌های دانشجویی با همین شرایط رکود و رخوت، باز هم یک سروگردن از کسانی که فعالیت‌های دانشجویی تشکلی نکرده‌اند، بالاترند و این موضوع را باید مدیران ما هم متوجه باشند. فردی که در عرصه‌ها و شرایط مختلف تجربه‌هایی را کسب کرده است، با دانشجویی که تنها چهار سال درس خوانده و از دانشگاه فارغ‌التحصیل شده، متفاوت است. یک دانشجوی معمولی مجهز به ابزارهایی تشکل‌ها و انجمن‌های دانشجویی آن‌ها را کسب کرده است. این تجربه وجود دارد که هر کجا کار را به دست جوان‌هایی داده‌ایم که در زمان دانشجویی در تشکل‌ها حضور داشته‌اند، عملکرد خوب و جهادی از آن‌ها دیده‌ایم.

|| در آخر، راهکار دهید؛ اینکه باید چه کرد تا کلیه دانشجویان به صورت خودجوش در همان مسیر جمعی گذشته تأثیرگذار قرار گیرند؟

باید نشاط و پویایی به فضای دانشجویی وجود ندارد؛ آن حس شادایی که ما در زمان دانشجویی در تک‌تک برنامه‌ها داشتیم و از جان و دل مایه می‌گذاشتیم. ما برای آن فعالیت‌های دانشجویی هیجان زده بودیم و لای آن فضا دیده نمی‌شود. حضرت آقا می‌فرمایند: «خدا لعنت کند دست‌هایی را که نمی‌گذارد دانشگاه‌ها سیاسی باشند.» متأسفانه دانشگاه‌های کنونی ما کمتر سیاسی هستند و کمتر به مسائل داغ روز می‌پردازند. تشکل‌ها باید در این خصوص همت جدی به خرج دهند. این اقدام در ابتدا کمی دشوار است و زمان‌بر و انرژی‌بر؛ اما دانشجویان با همت و جوانی خود می‌توانند بر مشکلات غلبه کنند.

|| قبول دارید که آن شور و اشتیاق و انگیزه در جریان‌سازی سیاسی و اجتماعی که از سال‌های پیش از

کسب جایگاه کنونی‌تان هم بگوئید.

حضور و فعالیت ما در تشکل‌های دانشجویی هیچ زمانی به خاطر بیست و مقام رقم نخورد و ما به این فضا به چشم نردبان نگاه نکردیم. بیست و جایگاه اجتماعی به سراغ ما خواهد آمد؛ می‌توان آن را پذیرفت و می‌توان نپذیرفت؛ اما یکی از شایستگی‌هایی که تشکیلات جامعه اسلامی دانشجویان به ما آموزش داد و ما نیز به دیگر دوستان خود یاد دادیم، این بود که خط قرمز جدی برای دوییدن دنبال بیست و مقام وجود داشته باشد. تک‌تک موفقیت‌های بنده به‌عنوان فرماندار شهرستان نطنز برگرفته از همان تمرین چندساله زمان دانشجویی و از همان جلسه‌ها تا نیمه‌های شبی است که در رابطه با مسائل مختلف اعتقادی، سیاسی، رسانه‌ای و اقتصادی بود؛ برای مثال، خاطر هست که در زمان ریاست آقای ضرغامی در صداوسیما، جلسه‌های انتقادی بسیاری با ایشان داشتم. حدود یک سال پیش هم با ایشان در جایگاه وزیر برخورد کردم که بنده را شناخت و یادی از آن دوران انتقادی مادر خصوص خود کرد؛ همان انتقادهایی که برای ما راه‌گشا بود و در حال حاضر هم کم‌کم به کارمان می‌آید.

|| پس به اعتقاد شما فرق بسیاری میان دانشجویانی که در تشکل‌ها و انجمن‌ها فعالیت دارند، با دانشجویانی که به‌دوراز فضای تشکل‌های دانشجویی هستند، وجود دارد.

دانشجویان فعال در انجمن‌ها و تشکل‌های دانشجویی با همین شرایط رکود و رخوت، باز هم یک سروگردن از کسانی که فعالیت‌های دانشجویی تشکلی نکرده‌اند، بالاترند و این موضوع را باید مدیران ما هم متوجه باشند. فردی که در عرصه‌ها و شرایط مختلف تجربه‌هایی را کسب کرده است، با دانشجویی که تنها چهار سال درس خوانده و از دانشگاه فارغ‌التحصیل شده، متفاوت است. یک دانشجوی معمولی مجهز به ابزارهایی تشکل‌ها و انجمن‌های دانشجویی آن‌ها را کسب کرده است. این تجربه وجود دارد که هر کجا کار را به دست جوان‌هایی داده‌ایم که در زمان دانشجویی در تشکل‌ها حضور داشته‌اند، عملکرد خوب و جهادی از آن‌ها دیده‌ایم.

|| در آخر، راهکار دهید؛ اینکه باید چه کرد تا کلیه دانشجویان به صورت خودجوش در همان مسیر جمعی گذشته تأثیرگذار قرار گیرند؟

باید نشاط و پویایی به فضای دانشجویی وجود ندارد؛ آن حس شادایی که ما در زمان دانشجویی در تک‌تک برنامه‌ها داشتیم و از جان و دل مایه می‌گذاشتیم. ما برای آن فعالیت‌های دانشجویی هیجان زده بودیم و لای آن فضا دیده نمی‌شود. حضرت آقا می‌فرمایند: «خدا لعنت کند دست‌هایی را که نمی‌گذارد دانشگاه‌ها سیاسی باشند.» متأسفانه دانشگاه‌های کنونی ما کمتر سیاسی هستند و کمتر به مسائل داغ روز می‌پردازند. تشکل‌ها باید در این خصوص همت جدی به خرج دهند. این اقدام در ابتدا کمی دشوار است و زمان‌بر و انرژی‌بر؛ اما دانشجویان با همت و جوانی خود می‌توانند بر مشکلات غلبه کنند.

